

ضرب المثلهای اشتباهه

موسی به دین خود،



این کار را بکند، در جواب می‌گوید: بابا ول کن
ما رو! «موسی به دین خود، عیسی به دین خود»!

متفاوت را با دو کتاب آسمانی مختلف و در دو زمانه متفاوت آورده‌اند، اما این دلیل نمی‌شود
اما این ضربالمثل یک کلمه کلیدی دارد که
که این دو دین با هم فرق اساسی داشته باشند،
هر چند در متن اصلی نیامده اما در معنای آن به کار
بلکه اصولاً دین همه پیامبران یک چیز بوده و
اصولی داشته که در همه ادیان رعایت شده است.
رفته است. کدام کلمه؟ کلمه «ربط داشتن». این
ضربالمثل، محترمانه این سخن است که این
(خدایپرستی، عدالتخواهی، خللمستیزی و...). فقط
هر پیامبری که بعد از پیامبر دیگر آمده با توجه به
رسائل به من مربوط است و به دیگران ربطی
ندارد! و همان‌طور که موسی علیه السلام هم دین خودش
رشد فکری مردم آن زمان و برخی مصالح دیگر،
چیزی بر دستورات دینی افزوده است یا احکام
متفاوتی آورده است و دین مردم را کامل‌تر کرده
تا در نهایت به دین اسلام می‌رسیم که کامل‌ترین
دین است.

حتمًا می‌دانید که هر پیامبری باید به پیامبر بعدی
ایمان بیاورد و اگر مثلاً حضرت موسی علیه السلام تا زمان
حضرت عیسی علیه السلام زنده می‌ماند، به ایشان ایمان
می‌آورد و به دین خود باقی نمی‌ماند. اصلاً یکی از
شرطهای ایمان این است که ما به دیگر پیامبران
هم- بدون فرق گذاشتن- ایمان داشته باشیم

او لا درباره دین حضرت موسی علیه السلام و حضرت
عیسی علیه السلام از این نکته مهم نباید غافل بشویم این جای کار ثابت شد که فرق اساسی بین این

کلمه کلیدی!

که اگرچه در ظاهر، این دو پیامبر الهی، دو دین
ما رو! «موسی به دین خود، عیسی به دین خود»!
متفاوت را با دو کتاب آسمانی مختلف و در دو
زمانه متفاوت آورده‌اند، اما این دلیل نمی‌شود
اما این ضربالمثل یک کلمه کلیدی دارد که
که این دو دین با هم فرق اساسی داشته باشند،
هر چند در متن اصلی نیامده اما در معنای آن به کار
بلکه اصولاً دین همه پیامبران یک چیز بوده و
اصولی داشته که در همه ادیان رعایت شده است.
رفته است. کدام کلمه؟ کلمه «ربط داشتن». این
ضربالمثل، محترمانه این سخن است که این
(خدایپرستی، عدالتخواهی، خللمستیزی و...). فقط
هر پیامبری که بعد از پیامبر دیگر آمده با توجه به
رسائل به من مربوط است و به دیگران ربطی
ندارد! و همان‌طور که موسی علیه السلام هم دین خودش
رشد فکری مردم آن زمان و برخی مصالح دیگر،
چیزی بر دستورات دینی افزوده است یا احکام
متفاوتی آورده است و دین مردم را کامل‌تر کرده
تا در نهایت به دین اسلام می‌رسیم که کامل‌ترین
دین است.

نداشته باشیم، اما آیا واقعاً همین‌طور است؟ آیا
دین موسی و عیسی دو دین بود و ربطی به هم
نداشت؟ آیا کارهای دیگران به ما ربطی ندارد؟ آیا
هر کس می‌تواند هر کاری که دوست داشته باشد،
انجام بدهد؟ آیا رفتارهای مردم یک جامعه ربطی
به همیگر ندارد؟

دین موسی و دین عیسی؟

که این مسئله در قرآن هم آمده است. پس تا
عیسی علیه السلام از این نکته مهم نباید غافل بشویم این جای کار ثابت شد که فرق اساسی بین این

یکی از ضربالمثلهایی که با فرهنگ ما میانهای
ندارد، این ضربالمثل مشهور است که «موسی به
دین خود، عیسی به دین خود!» لابد شما هم در
گفت و گوهای روزمره‌تان با این ضربالمثل روبه‌رو
شده‌اید و یا آن را جایی مثل یک «تیر خلاص»
به کار بردۀاید. خصوصاً وقتی که احساس کرده‌اید
میزان اختلاف میان شما و آن طرف مقابل بیشتر
از این حرف‌هاست و «آن‌چه البته به جایی نرسد
فریاد است».

در این جانگاه دقیق‌تری به این ضربالمثل
خواهیم داشت تا نشان دهیم کجاش ایراد
دارد:

کجا استفاده می‌شود؟

این ضربالمثل وقتی استفاده می‌شود که کسی
نمی‌خواهد یا نمی‌تواند در مقابل دیگری مقاومت
کند. در این حالت، برای «از سر واکردن خود» یا
برای این که نشان دهد راه او با یقیه فرق دارد،
می‌گوید: ای بابا! من را با فلانی چه کار! «عیسی
به دین خود، موسی به دین خود!» همین‌طور

وقتی به کسی تذکری داده می‌شود که
مثلاً موردی را رعایت کند و او نخواهد



عیسی به دین خود

حالا اگر بر فرض محال، در این دنیا بتوانیم با گفتن این جمله، برای مدتی آسوده بشویم، آیا در آن دنیا هم این جمله، کارساز و راه چاره است و می‌توانیم با آن از زیر بار گناهانمان خلاصی پیدا کیم؟!

و اما نمونه‌ها

موقعیت‌های مختلفی و حتی سرنوشت‌سازی هستند که ممکن است در آن‌ها قرار بگیریم که یک جواب مثل «موسی به دین خود عیسی به دین خود» می‌تواند تمام ارزش و آینده آن را از بین ببرد تا حالا به این موقعیت‌ها فکر کرده‌اید؟

برای مثال، هم‌کلاسی قلدر شما گوش یک دانش‌آموز کلاس پایینی را مخصوص تفریح گرفته و دارد او را مسخره می‌کند. آیا درست است شما بگویید «به من چه! موسی به دین خود عیسی به دین خود»؟ یا این‌که به کسی اعتراض می‌کنید که چرا آرامش پارک را با صدای بلند موسیقی به هم می‌زند و او پاسخ بدهد: موسی به دین خود و عیسی به دین خود!

یا این‌که کسی دارد حرف‌های نادرستش را به خورد دوستان شما می‌دهد و آن وقت در جواب اعتراض شما بگویید: موسی به دین خود و عیسی به دین خود... به نظر شما با این وضعیت سنگ روی سنگ بند می‌شود؟

دو دین نیست، و این ضربالمثل به همین دلیل هم اشتباه است.

دین چه می‌گوید؟

انسان‌ها خیلی وقت است که فهمیده‌اند کسی نمی‌تواند در جامعه با ترفند «به کسی مربوط نیست» از زیر بار مسئولیتش فرار کنند! این حرف عاقلانه و منطقی را دین هم تأیید می‌کند. اسلام هم برای این‌که خوبی‌ها گسترش پیدا کند و جلوی بدی‌ها گرفته شود، «امر به معروف» و «نهی از منکر» را واجب کرده است. حالا اگر این ضربالمثل را با این دستور عقل و دین، کنار هم بگذارید، می‌بینید که اصلاً با هم نمی‌سازند.

دین ما «به من چه! و به تو چه!» را قبول ندارد؛ چون این حس مسئولیت‌پذیری در مقابل مردم و تذکر دادن‌هاست که می‌تواند جامعه را از انحراف و پلیدی حفظ کند. این یعنی مردم و رفتارهایشان برای یکدیگر مهم هستند چون در کنار هم زندگی می‌کنند و رفتارهای خوب یا بدشان بر هم‌دیگر تأثیر دارد. ما در اسلام به جای این‌که بگوییم موسی به دین خود و عیسی به دین خود باید بگوییم که اسلام گفته همه در مقابل هم مسئول هستند. (کلم راع و کلم مسئول عن رعیته)

جاهای دیگر چه طور است

نکته بعدی این‌که آیا در یک جامعه (حتی یک جامعه غیر اسلامی) رفتار هر کس فقط به خودش مربوط است؟ با کمی دققت و مطالعه متوجه می‌شویم که حتی در جامعه‌های غیردینی هم هر کس آزاد نیست هر کاری را که دلش بخواهد، انجام بدهد که اگر این‌چنین بود دیگر این‌همه پلیس و قوانین و مقررات و دادگاه و... نیاز نبود.

پس همین‌که قانون وجود دارد یعنی فرد نمی‌تواند هر چه را که دوست داشت و پسندید، انجام بدهد و وقت پاسخ‌گویی بگوید موسی به دین...! اتفاقاً دریاره کشورهای غربی هم که برخی فکر می‌کنند آن‌جا حسابی آزادی هست و شما هر کاری را بخواهی انجام می‌دهی، باید بگوییم که «آواز دهل شنیدن از دور خوش است!» خیر عزیزان! این خبرها نیست و اتفاقاً آن‌ها در برابر خلی چیزها خیلی هم سفت و سخت می‌گیرند و به قول معروف «مو را از ماست بیرون می‌کشنند.» بنابراین از نظر منطقی هم نباید انتظار داشت که